

شاخصه مطلوب مدیریت دخالت دولت در خانواده

اسحاق دانشگر^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

چکیده

در مورد اندازه و شاخصه مطلوب و مقاومتی مدیریت دخالت دولت در خانواده بین مکاتب و دیدگاه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی و... اتفاق نظر وجود ندارد دولت‌ها را از نظر مداخله اقتصادی و فرهنگی و... می‌توان در طیف گسترده‌ای دانست که از دولت کلاسیک آغاز و به دولت برنامه‌ریز متمرکز ختم می‌شود. نوع بینش شاخصه مطلوب و مقاومتی دخالت دولت در خانواده، در طی سال‌های گذشته بارها دستخوش تغییر و تحول و بازنگری قرار گرفته است. تغییر نگرش‌ها باعث تغییر و تحول وظایف و مسئولیت‌های محول شده به دولت و بنابراین تغییر اندازه و ترکیب اقتصاد و فرهنگ و... دولت می‌گردد در زمینه این بینش‌ها عواملی وجود دارد که می‌تواند تحول و تغییر اندازه و رشد دولت را در طی زمان و در میان کشورهای مختلف توضیح دهد. در این مقاله نیز تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی کتاب‌ها و مقالات و اسناد در این زمینه، نخست به تعریف دولت و سپس به تعریف خانواده پرداخته شود و در ادامه به تعامل مقاومتی اقتصادی و فرهنگی و... دولت و خانواده نگاهی شود سپس شاخصه مطلوب و مقاومتی دخالت دولت در خانواده در اقتصاد و فرهنگ و... مورد بررسی و تبیین قرار داده می‌شود. مهم‌ترین روش برای استنباط اصول و مبانی شاخصه مطلوب و مقاومتی دخالت دولت در خانواده، در تعبیری کلی، روش اجتهادی-استنباطی است که البته می‌تواند دامنه وسیعی داشته باشد و حتی روش تحلیل مفهومی متداول را نیز شامل شود.

واژگان کلیدی

دولت، خانواده، شاخصه مطلوب و مقاومتی، اقتصاد، فرهنگ، شاخصه، مدیریت

۱. سطح ۳ حوزه علمیه.

۱- مقدمه و تبیین مسئله:

در جوامع امروزی زندگی خانوادگی در فضایی نه‌چندان خصوصی به وجود می‌آید. بسیاری از مسائل و مشکلات خانوادگی در رسانه‌های جمعی مطرح می‌شوند و در مورد عملکردهای گوناگون خانواده مباحثی جدی صورت می‌گیرد (چیل، ۱۳۸۸: ۲۷۲). به همین جهت دولت‌ها در کنار مردم تلاش می‌کنند به وضعیت خانواده سامان دهند. شناخت خانواده جهت هرگونه قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی ضروری است، اما لازم است در کنار خانواده‌شناسی معطوف به منابع علمی موجود، از نظر مردم‌شناسی نیز خانواده‌شناسی شود؛ چراکه خانواده در عین حال که فعال و دارای استراتژی‌های درونی است (سگالن، ۱۳۷۰: ۳۲۴). در هر سنت و جامعه‌ای به‌مثابه یک نماد، قوانین و آداب نوشته و نانوشته آن سنت و جامعه را منعکس می‌سازد. از این نظرگاه، کارآمدی مطالعات خانواده در مجامع علمی کشور مرهون کاوش پیرامون خانواده ایرانی و سپس بررسی‌های تطبیقی است. شناخت خانواده ایرانی بر پایه شناخت فرهنگ خاص مردم ایران مبتنی است؛ فرهنگی که حاوی نکات ایجابی و سلبی به‌طور هم‌زمان است. درک این نکات نیازمند مطالعات فرهنگی گسترده است، چراکه علاوه بر وجود ویژگی‌های فرامحلی، خانواده در میان قومیت‌های مختلف ایرانی هم دارای ظرفیت‌ها و کاستی‌های خاص است. مطالعات فرهنگی درباره نسبت میان خرده‌فرهنگ‌ها و خانواده نگاه ما را به خانواده ایرانی تعمیق و تعریض کرده، به برجسته‌سازی نقطه‌های بیم و امید منجر می‌گردد (علاسوند، ۱۳۹۱: ۱۱۴۹).

۲- پیشینه تحقیق و نوآوری:

در این زمینه کتاب‌ها و مقالاتی نگاشته شده که ما به معرفی و بررسی آن‌ها می‌پردازیم و در انتها از نوآوری مقاله خود سخن به میان آورده شده است:

۱-۲. کتاب «منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت» نویسنده: فریدریش انگلس و مترجم: خسرو پارسا در تهران، نشر جامی، سال ۱۳۸۰ به چاپ رسید. انگلس در این کتاب ماتریالیسم تاریخی را برای بررسی شکل‌گیری و تحولات خانواده و پدید آمدن دولت به کار می‌گیرد.

۲-۲. در این زمینه مقالاتی نوشته شده به‌عنوان مثال مقاله «درآمدی بر نقش فرهنگی دولت دینی» نوشته علی اصغر خندان و مسلم امیری طیبی، در مجله معرفت سیاسی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صفحات ۱۲۹ - ۱۵۵ به چاپ رسید. در این مقاله، با رویکرد نظری و تحلیلی و باهدف بیان نقش فرهنگی دولت دینی، با اشاره به دو دیدگاه مارکسیسم و لیبرالیسم در باب دخالت فرهنگی دولت و همچنین نگاه مخالفان دخالت دولت دینی در عرصه فرهنگ و نقد آن، به تقریر دیدگاه اسلام درباره نقش دولت دینی در فرهنگ پرداخته شده است.

۳-۲. مقاله دیگر «جایگاه مدیریت دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام» اثر سیدعباس موسویان در فصلنامه اقتصاد اسلامی، مقاله ۱۷، دوره ۳، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۲، صفحات ۵۵-۷۹ به چاپ رسید. این مقاله که با استفاده از متون دینی (قرآن و احادیث) و اندیشه دانشمندان مسلمان تهیه شده، نخست مبانی نظری دخالت دولت را بررسی کرده، نشان می‌دهد که

اجرای آموزه‌های اسلام بدون حضور دولت هدف‌گرا و ارزش‌گرا ممکن نیست؛ سپس به بررسی اهداف دولت در اقتصاد اسلامی پرداخته، هدف‌های توسعه رفاه، توسعه معنویات، برپایی عدالت و قدرت اقتصادی جامعه اسلامی را غایات دولت می‌شمارد. پس از آن، وظایف دولت در تحقق این اهداف را تبیین می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها، برنامه‌ریزی برای اشتغال، تأمین اجتماعی، توازن اقتصادی، تثبیت ارزش واقعی پول و تصدای فعالیت‌های خاص اقتصادی است و در بخش پایانی، منابع مالی و اختیارات قانونی دولت در عرصه اقتصاد را توضیح می‌دهد.

۲-۴. دیگر مقاله در این زمینه، مقاله «بررسی تطبیقی مدیریت خرد مایه وجود دولت از نگاه نظریه‌های غربی و منابع اسلامی» نوشته حسن دانایی‌فرد و مرتضی جوان علی‌آذر در دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۷۴-۴۱ منتشر شد. در این مقاله تلاش شده خرد مایه وجود دولت از نگاه منابع اسلامی تبیین و تفاوت‌های آن با خرد مایه‌های بیان‌شده از سوی اندیشمندان غربی بیان شود؛ تفاوتی که به گونه‌ای اجمالی می‌توان آن را پیگیری مصالح عامه به جای منافع عامه نامید.

۲-۵. مقاله «مدیریت تعامل خانواده و دولت» نویسنده فریبا علاسوند در کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده سال ۱۳۹۱ به چاپ رسید. در چکیده مقاله آمده در الگوی ارتباطی خانواده با حکومت در مدل پیشنهادی این نوشتار از ظرفیت‌ها و عاملیت خانواده در ایجاد سرمایه اجتماعی، هنجار سازی در فضای عمومی، افزایش مشارکت‌های سیاسی اجتماعی و اصلاح سوگیری‌های حکومتی در ابعاد مختلف استفاده می‌شود. همچنان که حکومت نیز با دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند با اقتدار بخشی به خانواده، حمایت از والدگری و همسری، بازتعریف شاخص‌های رشد درباره خانواده، تقویت ویژگی‌های مثبت قومی در پاس داشت حریم خانواده، اتخاذ نگاه غیر انضمامی به خانواده، لزوم هم‌گرایی نهادی در قبال خانواده، اتخاذ راه‌حل‌های دستگامی و فرایندی و شناسایی مسئولیت نهادهای هنجار ساز در بدنه خود به کارآمدی خانواده و حل مسائل آن کمک برساند.

نوآوری این مقاله در این است که با نگاهی نو و بکر و جدید به شاخصه مطلوب و مقاومتی مدیریت دخالت دولت در خانواده از منظر اقتصاد و فرهنگ و... پرداخته است اما در کتاب و مقالات فوق فقط به جنبه اقتصادی و یا فقط به جنبه فرهنگی و... دخالت دولت در خانواده پرداخته شده است.

۳. روش تحقیق:

به نظر می‌رسد مهم‌ترین روش برای استنباط اصول و مبانی شاخصه مطلوب و مقاومتی دخالت دولت در خانواده، روش اجتهادی-استنباطی است که البته می‌تواند دامنه وسیعی داشته باشد و حتی روش تحلیل مفهومی متداول را نیز شامل شود. تفصیل این روش در کتاب‌های فقهی و همچنین سیاسی و علوم قرآن و کتب حدیثی آمده و بسته به تنوع دیدگاه‌های اشخاص، متنوع است. برای استنباط گزاره‌های فرهنگی و اقتصادی و... از این متون، از تفسیر متن و تحلیل گفتار استفاده می‌شود در ذیل به شرح این روش پرداخته شده است.

به منظور تفسیر گفتار، باید مراحل این گونه پیموده شود: ۱. دست یافتن به فهم متن؛ ۲. دریافت مقصود اصلی متن. برای منظور اول، یعنی دست یافتن به فهم متن نیاز است که نخست مفاهیم متن به طور دقیق بررسی شود و برای دریافت مقصود اصلی متن، قرینه‌هایی که در مورد متن مورد نظر وجود دارد، واکاوی شود. در این قسمت هر آنچه به فهم متن کمک می‌کند و در فهم آن مؤثر است، بررسی می‌شود (مسعودی، ۱۳۹۲: ۷۶-۷۳).

به منظور تحلیل گفتار، به تحلیل شاخصه مطلوب و مقاومتی دخالت دولت در خانواده و اثرگذاری بر مخاطبان پرداخته می‌شود. پس از طی این مراحل، نوبت استنباط و اجتهاد گزاره‌های متفاوت از انواع متون است که برای انجام دادن این کار از چندین شیوه استفاده می‌شود:

۱. رسیدن از گزاره‌های توصیفی به گزاره‌های تجویزی؛

۲. رسیدن از گزاره‌های تجویزی به گزاره‌های توصیفی؛

۳. رسیدن از قواعد و نمونه‌های جزئی به قاعده کلی (اعرافی، ۱۳۷۹: ۲۲).

۴. ضرورت تحقیق:

یکی از مباحث مهم و اساسی در هر مکتب و نظام اجتماعی، تبیین شاخصه مطلوب و مقاومتی دخالت دولت در خانواده از منظر اقتصادی و فرهنگی و... است و این مهم از دیرزمان مورد اهتمام دانشمندان اسلامی بوده است. در دهه‌های اخیر، اندیشه‌وران مسلمان از ابعاد گوناگون به تشریح شاخصه مطلوب و مقاومتی دخالت دولت در خانواده از منظر اقتصادی و فرهنگی و... پرداخته‌اند. مقاله حاضر با بهره‌گیری از متون دینی به ویژه قرآن و سنت و نظریات گذشتگان، نخست به تعریف دولت و خانواده و در ادامه به مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد و فرهنگ خانواده پرداخته؛ سپس به تبیین و تشریح شاخصه مطلوب و مقاومتی دخالت دولت در خانواده از منظر اقتصادی و فرهنگی و... می‌پردازد؛ و در این تحقیق هدف پاسخ به سؤال ذیل است:

شاخصه مطلوب و مقاومتی دخالت دولت در خانواده از نگاه فرهنگی و اقتصادی و... چگونه است؟

۵. مبانی و مفاهیم

۵-۱. تعریف مفهوم دولت:

دولت با واژه (state) مورد اشاره قرار می‌گیرد. این واژه از ریشه لاتینی (state) به معنای وضع مستقر و پابرجا گرفته شده است. بر همین اساس است که گفته می‌شود پادشاه ضامن ثبات، امنیت، نظم و به صورت ضمنی تأمین‌کننده رفاه جامعه است (وینست، ۱۳۸۲: ۳۶۱).

در جهان غرب واژه (state) دارای دو معنا و کاربرد کلی است:

۱. تا قبل از سده شانزدهم میلادی واژه (state) در خصوص وضع کشور یا حاکمی خاص و همچنین به وضعیت و موقعیت خاص خواه پاپ یا امپراتوری، کاربرد داشت و به مفهوم مقام و جایگاه یا لوازم استقرار و ثبات وضعیت دلالت

داشت؛ یعنی state در ریشه یونانی برابر با مقام و جایگاه حاکمی بود که وضعیت موقعیت برتر و ثابت و بادوامی داشت (رحمتی، ۲۰: ۱۳۸۸).

این برداشت از مفهوم دولت را که در آن بین حاکمان سیاسی و جامعه مرزبندی مشخصی وجود نداشت و به طور کلی پدیده مستقلی به نام دولت قابل تشخیص نبود «دولت قدیم» می نامند. در دولت قدیم (دولت شهر و امپراتوری های عصر فئودالی) حکمرانان انگیزه و توانایی کمی برای دخالت در امور گوناگون جامعه داشتند. در واقع دولت تا سده شانزدهم رواج سیاسی نیافته بود (رکابیان ولک زایی، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

۲. از سده شانزدهم تاکنون مفهوم پیشین دولت دچار تحولی اساسی گردید. از این تاریخ به بعد مفهوم دولت با مفهوم جامعه سیاسی برابر دانسته شد؛ یعنی آن شأن و مقام و جایگاه و آن دوام و ثبات و ایستادگی و آن نظم و رفاه که در مفاهیم دولت به معنای قدیمش به شخص حاکم و موقعیت برتر آن بستگی تام داشت، از این پس جامعه در شکل کلی آن اطلاق گردید؛ در این مرحله دولت، مفهوم انتزاعی و مستقل از جامعه داشت که متشکل از چهارعنصر سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت بود. وجود دولت از آن جهت مستقل در نظر گرفته می شود که با تغییر حکام و صاحبان قدرت، شخصیت دولت همواره ثابت و پایدار بوده است (عالم، ۱۳۸۰: ۱۳۴).

تعاریف گوناگون و متنوعی از مفهوم دولت ارائه شده است. این تعاریف را می توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: تعاریف حقوقی، فلسفی و سیاسی.

۱. در تعریف حقوقی، دولت واحدی است با ویژگی های چهارگانه الف: جمعیت؛ ب: حکومت؛ ت: سرزمین؛ ث: حاکمیت.

۲. از نظر فلسفی نیز سه دیدگاه درباره دولت وجود دارد: الف: طبیعی بودن دولت: طبق نظریات افرادی چون ارسطو؛ ب: قراردادی بودن دولت: طبق نظر متفکرانی چون هابز، لاک و روسو؛ ت: طبقاتی بودن دولت: طبق نظر کسانی چون کارل مارکس و فردریش انگلس (همان: ۱۳۶).

۳. تعریف سیاسی: دولت بر پایه ی کمال مطلوب فیلسوفان قرار ندارد؛ بلکه بر واقعیت هایی استوار است که در گذشته، اکنون و آینده وجود دارند. در این تعریف، گفته می شود که جامعه، از صورت بندی های بسیار ساده آن تا گونه های بسیار پیچیده اش، بر پایه تغییرات نظام تولید رشد یافته است (همان: ۱۳۸).

اما به گونه ای دیگر می توان دو گونه تعریف از دولت ارائه داد؛ دولت خاص و دولت عام. دولت در زبان عامه ی مردم به معنای «هیئت دولت» یا «تشکیلات و اداره های دولتی» یا «کابینه» است؛ اما مفهوم دولت در علم سیاست و روابط بین الملل، دارای معنایی فراتر از آنچه گذشت است. دولت، بزرگ ترین سازمان بندی گروه انسانی است؛ قدرت سیاسی در آن به جریان می افتد و عالی ترین تجلی قدرت نیز نام گرفته است (جمالی، ۱۳۸۰: ۲۳۶). تعریف مدنظر در این مقاله تمام ابعاد سیاسی، فلسفی و حقوقی را دربرمی گیرد (رکابیان ولک زایی، ۱۳۹۵: ۱۲۴ و ۱۲۳).

۲-۵. تعریف مفهوم خانواده:

خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به‌عنوان زن، مادر، پدر و شوهر، برادر، خواهر، فرزند در ارتباط متقابل هستند، فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند (قنادان، ۱۳۷۵: ۱۴۸).

خانواده یکی از نظام‌های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف کارکردهای خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع، اهمیت اساسی دارد. خانواده، مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی و روانی بشر بوده و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضای پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم نموده است (سالاری فر، ۱۳۹۰: ۱).

امروزه واژه خانواده چندین معنا دارد:

نخستین معنا: که خود به‌خود به ذهن راه می‌یابد همان، خانواده هسته‌ای، است واحدی متشکل از پدر، مادر و فرزندان که پیوندهای عاطفی شدیدی با یکدیگر دارند؛

معنای دوم: واژه‌ی خانواده نشان‌دهنده‌ی گروهی از خویشان کمابیش نزدیک است که باهم زندگی نمی‌کنند و ممکن است در مکانی واحد به سر ببرند اما دارای پیوندهای کمابیش نیرومند قرابت نسبی یا سببی هستند.

در مکتب اسلام نیز خانواده به‌عنوان کهن‌ترین اجتماع انسان شمرده می‌شود زیرا از آغاز آفرینش انسان به‌صورت زوجی از زن و مرد در قالب خانواده قدم به گیتی نهاده است. خانواده در دیدگاه اسلام واحد بنیادین و مهمی محسوب می‌شود که زن و مرد و فرزندان را در گروهی هم‌بسته و مأمونی مقدس جمع می‌کند و ارزش‌هایی چون صمیمیت و همدلی را بر آنان حاکم می‌گرداند (کدخدایی، ۱۳۹۵: ۸ و ۹).

تأسیس خانواده و احکام آن در اسلام بر اساس فطرت الهی گرایش زن و مرد به یکدیگر بنا گردیده، از این‌رو، رویگردانی از این فطرت و سنت اجتماعی و بی‌توجهی به احکام و آداب شرعی آن سبب زوال پیوند اجتماعی و سقوط جامعه می‌شود (هبه رئوف، ۱۳۷۷: ۱۶۵).

۶. شاخصه مطلوب دخالت فرهنگی و تربیتی و مذهبی دولت در خانواده و نقش خانواده:

در این زمینه دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که عده‌ای موافق دخالت فرهنگی و تربیتی و مذهبی دولت در خانواده و بعضی مخالف دخالت فرهنگی و تربیتی و مذهبی دولت در خانواده و تعدادی خانواده محور و پاره‌ای اعتقاد به اشتراک نقش دولت و خانواده در فرهنگ و تربیت و مذهب هستند که به بیان هر یک می‌پردازیم.

۶-۱. موافقان جایگاه مهم و اثرگذار دولت بر فرهنگ و تربیت و مذهب جامعه و خانواده:

از موافقان جایگاه مهم و اثرگذار دولت بر فرهنگ جامعه و خانواده، مکتب مارکسیسم است که با نگاه والا در باب دخالت فرهنگی دولت بحثی را مطرح می‌کند (خندان و امیری طیبی، ۱۳۸۸: ۱۳۱ و ۱۳۲) و می‌گوید:

نظرات طبقه حاکم در همه اعصار، آراء حاکم هستند، یعنی این گروه اجتماعی که وسیله و محصول مادی را در دست دارد، در عین حال به ابزار فرآورده اندیشه هم تسلط دارد و در نتیجه، نظرات کسانی که ابزار فرآورده اندیشه را ندارند به طور کلی پیرو آن‌ها هستند. اشخاصی که در ردیف حاکمان هستند، به عنوان اندیشه‌وران یا خالقان عقاید، بر جامعه حاکم هستند و بر ایجاد و پخش نظرات عصر خود بازرسی و نظارت دارند (دومینیک استریناتی، بی تا: ۱۸۲). از دیگر موافقان دخالت و احاطه و تسلط دولت بر فرهنگ و تربیت و مذهب افلاطون و ارسطو می‌باشند که می‌گویند وظیفه تربیت و فرهنگ بر عهده دولت است (ارسطو، ۳۲۹:۱۳۶۴).

۲-۶. مخالفان دخالت دولت در فرهنگ و تربیت و مذهب جامعه و خانواده

از مخالفان سرسخت نظریه دخالت دولت در فرهنگ و مذهب جامعه و خانواده، مکتب لیبرالیسم است که طرفدارانش می‌گویند: جوهر لیبرالیسم، بی طرفی عمومی نسبت به طیف گسترده‌ای از مسائل اخلاقی و دینی است. دفاع از نظریه بی طرفانه، نه فقط بیان اعتقادات مذهبی، بلکه بیان مذهب و لامذهبی بود. نمونه روشن این دیدگاه را می‌توان در آثار جان لاک و مثلاً در نامه‌ای با عنوان «درباره مدارا» یافت. لاک معتقد است حتی اگر مداوله در اعمال دینی شهروندان برای مسئولان عملی و درخور باشد، انجام آن خردمندانه نیست.

هرچند از باب نظری مکتب لیبرالیسم چنین عقیده‌ای دارد، اما لیبرالیسم در عمل، عملکرد کشورهای طرفدار این نظریه و مکتب حکایت از چیز دیگری دارد. اگرچه دیدگاه دخالت مخفی در فرهنگ در پیشگامان و تئوری پردازان لیبرالیسم هم سابقه داشته است، که نظارت و بلکه حاکمیت مستقیم دولت را بر فرهنگ ضروری می‌شمارند و چنین حقی، یعنی حق ممیزی و واری و نیز سیاست گذاری فرهنگی را در ردیف حق وضع قانون و حق رسیدگی به دعاوی و قضاوت و... از حقوق دولت به شمار می‌آورند (خندان و امیری طیبی، ۱۳۸۸: ۱۳۳ و ۱۳۲).

۳-۶. خانواده محور بودن فرهنگ و تربیت و مذهب:

برخی بر این عقیده‌اند: خانواده خاستگاه و مرکز شکل‌گیری عمیق ارزش‌های پایه‌ای برای هر فرد است، چنان‌که قانون‌گذار نیز در موارد مختلف قانون مدنی به این کارکرد فرهنگی و تربیتی و مذهبی اشاره می‌کند، از این رو مبانی جامعه مردم‌سالار، خصوصاً در جوامع روبه‌پیشرفت از خانواده آغاز می‌شود و بر عهده خانواده است (جلالی و مهدوی زاهد، ۱۳۹۶: ۸۶ و ۸۷).

۴-۶. اشتراک نقش خانواده و دولت در فرهنگ و تربیت و مذهب:

برخی بر اشتراک نقش خانواده و دولت در فرهنگ و تربیت و مذهب اعتقاد دارند و چندین دلیل را بر این امر می‌آورند: الف) دولت در پی تنظیم روابط اجتماعی است و این تنظیم مستلزم شناخت آن روابط است. رابطه‌هایی که از جامعه و اجتماع نشأت گرفته است، بنابراین قواعد و تنظیمات دولت نمایش درک صحیح دولت از نهادهای اصلی اجتماعی به‌طور کلی و نهاد خانواده به‌طور جزئی است.

ب) هنجارهای حقوقی هنگامی جوابگوست که شهروندان به مقبولیت آن باور داشته باشند. از این رو، نظام حقوقی و پیاده‌سازی قهری قوانین حقوقی، مبتنی بر شناخت و ابتدای نظام حقوقی بر اساس خانواده و جامعه است که ناشی از تحولات نهاد خانواده به‌طور خاص و موجب پیوند میان دولت و حقوق و جامعه و خانواده می‌شود.

د) نظام حقوقی از یک سو ریشه در سابقه تاریخی درازمدت یک ملت دارد و از طرف دیگر شمول خانوادگی و اجتماعی دارد که این مستلزم به تعامل دولت و خانواده است.

ه) دولت برای خانواده حقوق روابط اجتماعی فراهم ساخته است که گاهی با اهداف خانواده سازگار و گاه ناسازگار است.

و) کارکرد حمایتی خانواده در ایران منجر به انتقال برخی از حمایت‌های فرهنگی و تربیتی و مذهبی از خانواده به دولت شده است.

ز) اگر ارزش‌ها و نگرش‌های ساخته‌شده در خانواده را شیرازه پیکره هر جامعه قلمداد کنیم، می‌توان چنین نتیجه گرفت که خانواده و دولت در زمینه فرهنگ و تربیت و مذهب باهم همکاری و تعامل دارند (جلالی و مهدوی زاهد، ۱۳۹۶: ۸۹-۸۷).

۵-۶. نظر اسلام پیرامون تعامل خانواده و دولت در زمینه فرهنگ و تربیت و مذهب:

اساساً مخالفت یا موافقت با دخالت دولت در عرصه فرهنگ و تربیت و مذهب، به پذیرش و عدم پذیرش دین و تعالیم دینی برمی‌گردد. به نظر می‌رسد، پذیرش واقعی دین، لازمه و علامت روشنی دارد که عبارت است از: مراجعه به متون مقدس دینی به‌عنوان یک منبع دینی و معرفتی. به بیان دیگر، ایمان و باور به یک دین باید به پذیرش روشمند سلسله گزاره‌ها و تعالیم آن دین منجر شود و این موضوع چیزی است که متأسفانه در میان بسیاری از روشنفکران اسلامی مشاهده نمی‌شود؛ یعنی چه بسیار افرادی که مدعی مسلمانی و روشنفکری هستند، اما در موضع‌گیری‌های خود، کمتر به بهره‌گیری از تعالیم اسلامی می‌پردازند. از این رو، برای اظهار نظر در باب نقش دولت در عرصه فرهنگ و تربیت و مذهب، مراجعه و تحلیل کوتاهی از برخی تعالیم اصلی اسلامی ضروری است (خندان و امیری طیبی، ۱۳۷: ۱۳۸۸ و ۱۳۸). در اینجا به برخی اشارات اسلام در این زمینه را، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۵-۶. قرآن (خندان و امیری طیبی، ۱۳۸۸: ۱۳۸):

در قرآن مجید آمده: «الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱)؛ کسانی که چون آنان را در زمین قدرت و توانایی دهیم، نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و امی دارند و از کردارهای ناپسند بازمی‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

در تفسیر این آیه شریفه قرآن، علامه طباطبایی چنین قلم‌فرسایی می‌کند:

این آیه توصیفی است از مؤمنین که در اول آیات نامشان را برد البته این توصیف مجموع است از جهت مجموعیت و به عبارت ساده تر: توصیف نوع مؤمنین است و کار به فرد فرد آنان ندارد چون ممکن است فردی از آنان واجد این اوصاف نباشد.

و مراد از «تمکین آنان در زمین» این است که ایشان را در زمین نیرومند کند، به طوری که هر کاری را که بخواهند بتوانند انجام دهند و هیچ مانعی یا مزاحمی نتواند سد راه آنان شود.

در توصیف آنان می فرماید: یکی از صفات ایشان این است که اگر در زمین تمکینی پیدا کنند و در اختیار هر قسم زندگی که بخواهند حریتی داده شوند، در میان همه انواع و انحاء زندگی یک زندگی صالح را اختیار می کنند و جامعه ای صالح به وجود می آورند که در آن جامعه نماز به پا داشته و زکات داده می شود، امر به معروف و نهی از منکر انجام می گیرد.

و اگر از میان همه جهات عبادی، نماز و از میان همه جهات مالی، زکات را نام برد، بدین جهت است که این دو در باب خود (عبادات) عمده هستند؛ و وقتی صفت مؤمنین مذکور در صدر آیات این باشد و مراد از این صفت نیز آن باشد که در صورت داشتن قدرت و اختیار، اجتماعی صالح به وجود می آورند و از سوی دیگر حکم جهاد هم مخصوص به یک طایفه معینی نباشد نتیجه می گیریم که پس مراد از «مؤمنین» عموم مؤمنین آن روز، بلکه عامه مسلمین تا روز قیامت است و این خصیصه و طبع هر مسلمانی است، هر چند که قرن ها بعد به وجود آید. پس طبع مسلمان از آن جهت که مسلمان است صلاح و سداد است هر چند که احياناً برخلاف طبعش کاری برخلاف صلاح انجام دهد.

علاوه بر اینکه، جامعه صالحی که برای اولین بار در مدینه تشکیل شده و سپس تمامی شبه جزیره عربستان را گرفت، عالی ترین جامعه ای بود که در تاریخ اسلام تشکیل یافت، جامعه ای بود که در عهد رسول خدا (ص) در آن جامعه نماز به پا می شد، زکات داده می شد، امر به معروف و نهی از منکر می شد و این جامعه به طور قطع سمبل و مصداق بارز این آیه است و حال آنکه می دانیم که در تشکیل چنین جامعه ای انصار عامل مهم بودند نه مهاجرین (علامه طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۴/۵۴۷).

۲-۵-۶. روایات (خندان و امیری طیبی، ۱۳۸۸: ۱۳۹ و ۱۴۰):

تمیم داری می گوید: خدمت رسول خدا (ص) بودیم. حضرت فرمود: «الدِّينُ النَّصِيحَةُ» دین، نصیحت و خیرخواهی است. تعجب کردیم و عرض کردیم: نصیحت و خیرخواهی برای چه کسی؟ فرمودند: «لِلَّهِ، وَلِكِتَابِهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأُمَّتِهِ الْمُسْلِمِينَ وَ عَامَّتِهِمْ» (مسلم، بی تا: ۷۴)؛ برای خدا، برای کتاب او، برای پیامبر او، برای پیشوایان مسلمانان و برای توده آن ها.

نصیحت به معنای خیرخواهی است و نه پند و اندرز و موعظه: «النَّصِيحُ تَحَرُّيٌ فِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ فِيهِ صَلَاحٌ صَاحِبِهِ» (راغب اصفهانی، بی تا: ۴۹۴)؛ نصیحت عبارت است از انتخاب کردار یا گفتاری که به صلاح شخص مورد نظر باشد. علی رغم وجود معنای اصلی واجد برای نصیحت و نصیحت، مصداق این معنا در موارد مذکور در حدیث فوق متفاوت

خواهد شد. برای مثال، نصیحت نسبت به خداوند با نصیحت نسبت به پیامبر و ائمه مسلمانان متفاوت خواهد بود. خیرخواهی نسبت به خداوند می‌تواند به معنای نصرت الهی باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامُكُمْ» (محمد: ۷).

مرحوم محدث قمی می‌نویسد:

نصیحت در مورد کتاب خدا تصدیق کردن و عمل به آن است و نصیحت رسول خدا (ص) و ائمه (ع) به معنای تصدیق آن‌ها و پیروی از اوامر و اجتناب از نواهی آن حضرات است و نصیحت مردم به معنای ارشاد کردن آنان به مصالح و مفاسد دنیوی و اخروی‌شان است (قمی، بی‌تا: ۵۹۵/۲).

۶-۶. نمونه ارتباط فرهنگی و تربیتی و مذهبی دولت با خانواده

در ادامه مطالب به برخی تعاملات و ارتباطات فرهنگی و تربیتی و مذهبی دولت با خانواده اشاره می‌کنیم:

۶-۶-۱. خانواده، سرمایه توان جامعه:

سیاست پویا که در پی ایجاد عدالت، تدبیر، عزت، اقتدار باشد از یک سو به وجود سیاستمداران متعهد و از سوی دیگر به مردمی وابسته است که دارای نگرش عمیق و منش وارسته‌ای بوده که همگی وجه ارزشی خود را حفظ کنند. سودمندی در عرصه‌ی سیاسی بر پایه‌ی صفات مانند عزم و اراده‌ی قوی، مدیریت، شجاعت، سعه‌ی صدر، حق‌پذیری، انتقادپذیری، هم‌گرایی و همیاری، عدالت‌خواهی، صداقت، پرهیز از نفاق، مدیریت بحران، تمکین در برابر قانون، پذیرش سلسله‌مراتب سیاسی و اجتماعی، صبر، مدارا و گذشت مبتنی است؛ تمامی این صفات در خانواده شکل می‌گیرند. این خصلت‌ها علاوه بر آن که هر عضو را برای مشارکت‌های سیاسی آماده می‌کند، ولایت‌پذیری اجتماعی و سیاسی را بازتولید کرده و به تدریج از رفتار سیاسی آسیب‌زدایی می‌کند (علاسوند، ۱۳۹۱: ۱۱۵۳).

۶-۶-۲. بازسازی مدل شیوه زندگی:

ویژگی‌هایی وجود دارند که غلبه‌ی آن‌ها بر طریقت خانوادگی، تعامل خانواده با دولت را به کلی تغییر می‌دهد. خانواده‌ای که رفاه‌زده، سرگرمی محور و لذت‌گرا بوده و فردگرایی را در اعضای خود درونی کند، فقط حساسیت‌های اقتصادی و رفاهی آن‌ها را برمی‌انگیزاند و آن‌ها را با مسئولیت محوری، جمع‌گرایی، مصلحت‌گرایی و اخلاقی بودن نمی‌پروراند. این در حالی است که مفیدیت شهروندی و حیثیت اجتماعی - سیاسی مسلمانی در گرو این صفات هستند. بدیهی است الگوهای جدید سبک زندگی، پیش‌فرض‌های مهم نوعی از شهروندی که مطلوب نظام دینی است را از میان می‌برد و از تعامل دولت و خانواده، می‌کاهد (همان: ۱۱۵۵ و ۱۱۵۶).

۶-۶-۳. اقتداردهی به خانواده:

اگر دولت بخواهد از ظرفیت‌سازی خانواده برای منافع ملی استفاده کند، می‌بایست خانواده پیشاپیش، قدرتمند و تأثیرگذار باشد. بدیهی است که اقتدار دهی به خانواده در قالب واگذاری مسئولیت‌های ذاتی خانواده به خودش و مطالبه‌ی مسئولیت‌ها و نتایج از آن تحقق می‌یابد. مهم‌ترین جنبه‌ها برای بازگشت اقتدار به خانواده، مرجعیت اخلاقی و

آموزشی خانواده برای اعضا، صاحب‌اختیاری آن و ضرورت پاسخگویی اعضا به کانون‌های اراده‌ی خانواده یعنی والدین است. به همین جهت است که خانواده‌ها به آرامی با درصدی از بدی در فرزندانشان به راحتی کنار می‌آیند (همان: ۱۱۵۹).

۴-۶-۶. حمایت دولت از پدران:

اگر پدران، مسئولیت تأمین اقتصادی خانواده و هدایت اخلاقی را بر عهده دارد، باید از امکانات و توان بالفعل ایفای نقش برخوردار باشد. نوسانات اقتصادی و وضعیت کاهنده در شغل‌های کم‌درآمد، ایفای این نقش را برای پدران توان‌فرسا می‌کند. حکومت می‌تواند ضمن ترویج مفاهیم ایجابی درباره‌ی پدران، از فروپاشی تابوهای مربوط به طلاق، خیانت به همسر، خشونت در خانواده، ضعف مدیریت فرزندان هنجارشکن و سنت‌گریز ممانعت به عمل آورد (همان: ۱۱۶۰).

۵-۶-۶. استحکام خاصیت‌های کارآمد قومی در پاسداری از حریم خانواده:

هر قومیت نیز رفتارهای فرهنگی خاص خود را دارد که به کمک آن‌ها در مقابل تغییرات ملی و جهانی حتی‌الامکان مقاومت می‌کند. مراسم آیینی در رخدادهای خانوادگی و فامیلی، خصلت‌های جمع‌گرایانه مانند رسیدگی خاص به فامیل، سخاوتمندی، غیرتمندی نسبت به نوامیس خانوادگی یا فامیلی، اهمیت به کار و تلاش و قناعت، بخشی از این ویژگی‌ها را تشکیل می‌دهند. بازنمایی این خصلت‌ها به رمزگشایی پایداری خانواده و پاسداری از حریم خانواده در این قومیت‌ها کمک می‌کند (همان: ۱۱۶۱).

۷. حوزه ورود دولت در مسائل دنیوی و اقتصادی:

اصل حاکم بر حوزه دخالت دولت اسلامی در امور دنیوی و یا به‌گون‌های مشخص اقتصاد، عدم جواز دخالت دولت در این حوزه است (امامی، ۱۳۸۵: ۱۷۴ و ۱۷۵؛ رفیعی آتانی، ۱۳۸۶: ۳؛ دانایی‌فرد و جوان علی‌آذر، ۱۳۹۳: ۱۹).

برای تأیید این مدعا دلایل گوناگونی نیز ارائه شده که برخی از آن‌ها عبارت است از:

الف) اصل عدم ولایت اشخاص بر یکدیگر (رفیعی آتانی، ۱۳۸۶: ۴۲-۴۶)؛ طبق این اصل که به‌گونه‌ای تقریبی مورد اتفاق تمامی فقهای شیعه است، هیچ شخص، جمع یا نهادی بر هیچ شخص، جمع یا نهادی هیچ‌گونه حق سلطه و سیطره ندارد و در نتیجه حق هیچ‌گونه امر، نهی و یا تحمیل الزامی را ندارد (همان: ۴۶).

ب) قاعده تسلط انسان‌ها بر اموال خود (امامی، ۱۳۸۵: ۱۷۶)، این قاعده برگرفته از روایت «إِنَّ النَّاسَ مَسْلُطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ» از نبی اکرم (ص) است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۲/۲).

ج) روایات گوناگونی که از قیمت‌گذاری کالاها توسط شخصی غیر از صاحب کالا نهی می‌کنند که یکی از آن‌ها عبارت است از:

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«المسعر هو الله»؛ (قیمت‌گذار خداست) (کبیر مدنی، ۱۴۰۹: ۳/۵۹۴).

معیار بنیادین دخالت دولت اسلامی در اقتصاد و بازار مصلحت است (رضایی، ۱۳۸۳: ۵۷) و در واقع همین مصلحت اعم از مصلحت اسلام و نظام اسلامی و مصلحت مردم و خانواده است که وظایف دولت را در حوزه‌های گوناگونی نظیر نظارت، ارشاد و تصدی تعیین می‌کند (دانایی‌فرد و جوان‌علی آذر، ۱۳۹۳: ۶۳ و ۶۴).

۸. نمونه تعامل اقتصادی دولت و خانواده

در این بخش به نمونه‌های تعامل اقتصادی دولت و خانواده اشاره می‌کنیم که عبارت‌اند از:

۸-۱. استحکام شاخص‌های اقتصادی رشد دربارهی خانواده:

دولت که هدف آن تأمین مصالح و منافع واقعی ملت و خانواده و اجرای حق و عدالت است و این حق و عدالت در مواردی ممکن است غیر از خواست اکثریت مردم باشد. در چنین حکومتی شالوده نظام، حکومت و قانون حاکم بر جامعه از سوی خدا تعیین می‌شود؛ خدایی که عالم به تمام مصالح واقعی مردم در تمام ابعاد زندگی به خصوص معنوی و مادی و تربیتی و اقتصادی است؛ بنابراین در این حالت حکومت وظیفه دارد مصالح و نیازهای واقعی جامعه را تأمین و حفظ و مستحکم کند (دانایی‌فرد و جوان‌علی آذر، ۱۳۹۳: ۱۹) و دولت مطلوب از نگاه اسلام دولتی است که برای سعادت دنیا و آخرت مردم تلاش کند (جهانیان، ۱۳۸۹: ۸۵).

۸-۲. کمک به خانواده در نارسایی بازار

مطابق آموزه‌های اسلام، اگرچه مسؤولیت اساسی فرد این است که به خود تکیه کند و با تمام توان بکوشد، اما واقعیت بازار نشان می‌دهد که فرد، حتی اگر بیش‌ترین سعی خود را به عمل آورد، در موارد بسیاری نمی‌تواند به پاداش مطلوب و درخور شأن خود برسد و چنان‌که تجربه تاریخی نشان می‌دهد، آن گروه از عوامل تولید که قدرت چانه‌زنی بالایی دارند، همیشه سهمی بیش از بازده خود دریافت کرده و در عمل، سهم عوامل دیگر را ربوده‌اند. بر این اساس، دولت اسلامی وظیفه دارد برای تنظیم روابط عادلانه توزیع و جلوگیری از استثمار برخی عوامل تولید به وسیله دیگر عوامل و واسطه‌ها، حضور فعالی در عرصه اقتصاد خانواده داشته باشد (موسویان، ۵۸: ۱۳۸۲).

۸-۳. برنامه‌ریزی برای اشتغال در جامعه و به نوبه خود، خانواده

وظیفه دولت فقط حفظ امنیت داخلی و پاسداری از حقوق مالکیت افراد نیست؛ بلکه دولت همان‌طور که وسیله‌ای برای ارائه خدمت به مردم و رساندن حق به صاحبان آن است، مسئول تحقق پیشرفت و اشتغال در جامعه نیز شمرده می‌شود و این کار را با فراهم آوردن فرصت‌های دیگر و تأمین معیشت افراد از طریق تأسیس مؤسسات عمومی و راه‌اندازی پروژه‌های صنعتی و کشاورزی انجام می‌دهد. پروژه‌هایی که به افزایش ثروت عمومی کمک کرده، افراد جامعه را در سود آن‌ها شرکت می‌دهد؛ بنابراین، دولت اسلامی موظف است با آسان کردن راه‌های سرمایه‌گذاری، اعطای کمک‌های مالی و تسهیلات اعتباری؛ کشاورزان، صنعتگران و بازرگانان را تشویق کند تا زمین‌ها، کشت و صنایع راه‌اندازی شوند و بازارها رونق یابند تا جامعه و خانواده در آسایش مالی و اقتصادی بسر برند (همان: ۶۴).

۴-۸. تأمین اجتماعی خانواده:

یکی از مسؤولیت‌هایی که اسلام بر عهده تمام مسلمانان به‌ویژه دولت گذاشته، تأمین نیازهای ضروری افراد جامعه و خانواده است که به علل گوناگون یا درآمدی ندارند یا درآمدشان برای تأمین زندگی کافی نیست. البته مسئله تأمین نیازهای ضروری این گروه، به دولت اختصاص ندارد؛ بلکه همه مسلمانان در این مهم مسؤولند (همان: ۶۵ و ۶۶).

۵-۸. توازن اقتصادی جامعه و خانواده:

با توجه به پابندی اسلام به مسئله برابری و برادری انسان‌ها، نابرابری‌های فاحش درآمد و ثروت با روح اسلام ناسازگار است. اختلاف شدید طبقاتی نه تنها حس برادری را میان مسلمانان تقویت نمی‌کند بلکه مخرب آن به شمار می‌آید. از طرف دیگر، مطابق آیات قرآن همه انسان‌ها در جایگاه جانشین خدا، حق بهره‌مندی از نعمت‌ها را دارند؛ بنابراین، تمرکز امکانات در دست گروهی اقلیت و محرومیت اکثریت مردم، نه با آموزه‌های اخلاقی اسلام سازگار است و نه با شأن جانشینی انسان تناسب دارد. دولت اسلامی مسئول است با اجرای دستورهای اسلام درباره مالکیت منابع طبیعی و مواد اولیه و مواظبت به راه‌های حلال و حرام کسب درآمد، کنترل صحیح و منطقی بر سهم عوامل تولید که از درآمد و مدیریت کارآمد توزیع مجدد ثروت و درآمد، جلوگیری از فاحش درآمدها و ثروت‌ها را گرفته، جامعه و خانواده را به سمت عدالت و توازن اقتصادی سوق دهد (همان: ۶۶).

۶-۸. تصدّی فعالیت‌های اقتصادی جامعه و خانواده:

یکی از مباحث مهم و کلیدی در بحث دولت، اندازه دولت و حضور مستقیم آن در عرصه فعالیت‌های اقتصادی است. دولت اسلامی می‌تواند با استفاده از منابع مالی عظیمی که در اختیار دارد، به‌طور مستقیم به فعالیت‌های گسترده‌ای دست بزند. همچنین با توجه به اختیاراتی که شرع برایش قائل شده می‌تواند در اوضاع خاص (مصلحت نظام) فعالیت‌های بخش خصوصی را هم با اعمال محدودیت‌ها و کنترل‌ها به شکل اقتصاد متمرکز اداره کند پس می‌توان گفت: دولت در نظام اسلامی، نقش نظارت و فراهم آوردن زمینه فعالیت بخش خصوصی را به عهده دارد و خودش به شکل مستقیم وارد سرمایه‌گذاری در بخش خاصی نمی‌شود، مگر آن که مصالح اجتماعی اقتضای چنین رفتاری را داشته باشد (همان: ۶۸).

نتایج

۱. یکی از مباحث مهم و اساسی در هر مکتب و نظام اجتماعی، تبیین شاخصه مطلوب و مقاومتی دخالت دولت در خانواده از منظر اقتصادی و فرهنگی و... است.
۲. خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به‌عنوان زن، مادر، پدر و شوهر، برادر، خواهر، فرزند در ارتباط متقابل هستند.
۳. دولت در زبان عامه‌ی مردم به معنای «هیئت دولت» یا «تشکیلات و اداره‌های دولتی» یا «کابینه» است؛ اما مفهوم دولت در علم سیاست و روابط بین‌الملل، دارای معنایی فراتر از آنچه گذشت است. دولت، بزرگ‌ترین سازمان‌بندی گروه انسانی است؛ قدرت سیاسی در آن به جریان می‌افتد و عالی‌ترین تجلی قدرت نیز نام گرفته است.

۴. در زمینه شاخصه مطلوب و مقاومتی دخالت دولت در خانواده از منظر فرهنگی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که عده‌ای موافق دخالت فرهنگی و تربیتی و مذهبی دولت در خانواده و بعضی مخالف دخالت فرهنگی و تربیتی و مذهبی دولت در خانواده و تعدادی خانواده محور و پاره‌ای اعتقاد به اشتراک نقش دولت و خانواده در فرهنگ و تربیت و مذهب هستند و جامع‌ترین آن‌ها، دیدگاه اسلام بود که اساس مخالفت یا موافقت با دخالت دولت در عرصه فرهنگ و تربیت و مذهب، به پذیرش و عدم پذیرش دین و تعالیم دینی، ارجاع می‌دهد.

۵. نمونه‌های تعامل خانواده و دولت در عرصه فرهنگ و مذهب و دین عبارت‌اند از:

الف: خانواده، سرمایه توان جامعه؛

ب: بازسازی مدل شیوه زندگی؛

ج: اقتداردهی به خانواده؛

د: حمایت دولت از پدران؛

ه: استحکام خاصیت‌های کارآمد قومی در پاسداری از حریم خانواده.

۶. اسلام در حوزه ورود دولت در مسائل دنیوی و اقتصادی، به عدم جواز دخالت دولت حکم کرده است.

۷. نمونه‌های تعامل اقتصادی دولت و خانواده عبارت‌اند از:

الف: استحکام شاخص‌های اقتصادی رشد دربارهی خانواده؛

ب: کمک به خانواده در نارسایی بازار؛

ج: برنامه‌ریزی برای اشتغال در جامعه و به‌نوبه خود، خانواده؛

د: تأمین اجتماعی خانواده؛

ه: توازن اقتصادی جامعه و خانواده؛

و: تصدّی فعالیت‌های اقتصادی جامعه و خانواده.

منابع

قرآن کریم.

استریناتی، دومینیک. (بی‌تا). مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ‌عامه، ترجمه ثریا پاک‌نظر، بی‌جا: نشر گام نو.

- امامی، محمد. (۱۳۸۵). «بررسی نظارت بر بازار در آموزه‌های نبوی و علوی»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، ش ۲۱ و ۲۲، صفحات ۱۷۱ تا ۱۹۲.

انگلس، فریدریش. (۱۳۸۰). منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، مترجم خسرو پارسا، تهران: نشر جامی.

جلالی، محمد و مهدوی زاهد، مهدی. (۱۳۹۶). «نسبت تحولات نهاد خانواده با نظریه دولت در ایران معاصر»، مجله راهبرد، شماره ۸۲، صفحات ۷۹-۹۸.

جمالی، حسین. (۱۹۹۲). تاریخ و اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه.

جهانیان، ناصر. (۱۳۸۹). «معیارهای دخالت دولت اسلامی در اقتصاد»، مجله حکومت اسلامی، ش ۵۸، صفحات ۷۹-۱۰۸.

چیل، دیوید. (۱۳۸۸). خانواده‌ها در دنیای امروز، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: شرکت نشر نقد افکار.
خندان، علی اصغر و امیری طیبی، مسلم. (۱۳۸۸). درآمدی بر نقش فرهنگی دولت دینی، مجله معرفت سیاسی، سال اول، شماره اول، صفحات ۱۲۹-۱۵۵.

دانایی فرد، حسن و جوان علی آذر، مرتضی. (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی خرد مایه وجود دولت از نگاه نظریه‌های غربی و منابع اسلامی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۲، شماره ۱، صفحات ۷۴-۴۱.
رئوف، هبه. (۱۳۷۷). مشارکت سیاسی زن دیدگاهی اسلامی، ترجمه محسن آرمین، تهران: نشر قطره.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی تا). مفردات الفاظ القرآن، مصحح داوودی، صفوان عدنان، بیروت: دار.
رحمت الهی، حسین. (۱۹۹۱). تحول قدرت، بی جا: نشر میزان.

رضایی، مجید. (۱۳۸۳). «جایگاه نهاد دولت در عرضه اقتصاد»، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۱۴، صفحات ۳۷-۶۲.
رفیعی آتانی، عطاءالله. (۱۳۸۶). «جایگاه دولت در نظام اقتصادی اسلام (دولت مصالح)»، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۲۸، صفحات ۳۷-۵۹.

سالاری فر، محمدرضا. (۱۳۹۱). درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، تهران: نشر هاجر.
سگالن، مارتین. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۳). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مطبوعات اسماعیلیان.
عالم، عبدالرحمن. (۱۹۹۲). بنیادهای علم سیاست، بی جا: نشر نی.
علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۸). «مناسبات تربیتی خانواده و دولت»، مجله خانواده پژوهی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، دوره ۵، شماره ۱، صفحات ۹۳-۱۱۹.

قمی، عباس. (بی تا). سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم: اسوه.
قنادان، منصور. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، تهران: آوای نور.
کبیر مدنی، سید علی خان بن محمد. (۱۴۰۹). ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، تحقیق و تصحیح محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

کدخدایی، حمیده. (۱۳۹۵). عوامل استحکام خانواده در قرآن و روایات، سپاهان شهر: حوزه علمیه حضرت حکیمه (س).

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

محسنی، علی و دیگران. (۱۳۹۳). «بررسی و تبیین جایگاه دولت در عرصه فرهنگی جامعه از نگاه اسلام و لیبرالیسم»، مجله راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۲، صفحات ۷-۳۴.

مسلم، أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیسابوری. (بی تا). صحیح (الجامع الصحیح)، بیروت: دار الأفاق.

موسویان، سیدعبّاس. (۱۳۸۲). «جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، مقاله ۱۷، دوره ۳، شماره ۱۰، صفحات ۵۵-۷۹.

وینسنت، اندرو. (۱۹۹۱). نظریه‌های دولت، مترجم حسین بشیریه، بی جا: نشر نی.

